

فضل العباس^(ع) پای درد دل ایثارگران نشستیم

ایثارگران جانبازان

ایران کشیده اند هیچ جوهر قابل جبران نیست و تا عمر داریم باید قدر دان و دست بوس این افراد باشیم. جانبازان، قهرمانان واقعی این مرز و بوم هستند و حتی می توان آنها را سندی غیر قابل انکار از حضور نیرومند جوانان ارزنده در برابر دشمنان این خاک دانست. این افراد جان بر کف، در خطوط مقدم جبهه مقابل آتش دشمن ایستادند و از سرزمین شان دفاع کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز درخصوص جانبازان در پیامی پس از پایان جنگ تحمیلی ایران و عراق در آستانه بزرگداشت هفته دفاع مقدس در سال ۱۳۶۸ خطاب به خانواده های ایثارگران بیان داشتند: «جانبازان عزیز ارزنده ترین یادگاری های دوران حماسه دفاع مقدس هستند. امروز، جانبازان نمونه های بزرگ افتخار و شجاعت و فداکاری و یادگارهای دوران حماسه اند. امروز، خانواده های عزیز و عظیم الشان شهدای شما کسانی هستند که همه منصقان عالم (کسانی که قضایای ایران و انقلاب ایران را می شناسند) آنها را با عظمت، بزرگواری، صبور و نیرومند به حساب می آورند. این را باید شما حفظ کنید. این، به برکت اسلام و رهبری امام عظیم الشان و به برکت وحدت کلمه شماست. اینها را برای خودتان نگه دارید».

شهید و امور ایثارگران درخواست وام کردیم، چون سقف خانه، دارد روی سرمان خراب می شود و دیوارهای آن نم زده اما هنوز خبری از پرداخت وام نیست. اگر می شد این تسهیلات سریع تر و راحت تر در اختیار ایثارگران قرار می گرفت گره از برخی مشکلات مان باز می شد. توقع زیادی نداریم اما نیازمند توجه هستیم».

باز هم به جبهه های جنگی می روم

علی نظری، جانباز دیگری است که پای صحبت هایش نشستیم. او سال ۱۳۶۴، ۱۹ ساله بوده که به جبهه اعزام شده و در مناطق غربی کشور (کردستان، گیلانغرب، سوسنگرد، اهواز و نفت شهر) خدمت کرده است.

وقتی از او علت رفتن به جبهه را پرسیدیم، گفت: «وظیفه داشتیم به جنگ بروم و همچون دوستان، آشنایان و اقوام از خاک وطنم دفاع کنم.

علاوه بر آن خدمت سربازی را باید می گذراندم. پدرم خداییامرز

مخالف بود و می گفت الان نرو، بگذار بعد از جنگ؛ اما مادرم برعکس می گفت برو و خودت را به خدا بسپار و این که زنده بمانی، شهید شوی یا جانباز، همه دست خداست. خلاصه مادرم توانست رضایت پدرم را جلب و من را راهی جبهه کند. هیچ وقت از این انتخاب پشیمان نشدم و نترسیدم که اتفاقی برایم بیفتد. دفاع از وطن را وظیفه خود می دانستم و برای حفظ آن حاضر بودم جانم را فدا کنم؛ حتی اگر بحث خدمت سربازی نبود و سنم بیشتر هم بود، باز می رفتم چون دوست داشتم این کار را انجام بدهم.

آن زمان مادر شهر قم ساکن بودیم و از هر ۱۰ نفر، ۸ نفر به جبهه می رفتند و من هم مثل بقیه این کار را با خواست و میل خودم انجام دادم. من در عملیات شناسایی نفت شهر آسیب دیدم. در یک گروه شناسایی در میدان مین بودم و نفر ششم صف پاک سازی ایستاده بودم، متأسفانه نفر اول روی مین رفت و شهید شد و ترکش های آن انفجار به ما چند نفر که پشت سرش بودیم اصابت کرد. آنجا بود که ترکش خوردم؛ یکی داخل سرم

و یکی داخل دستم. وقتی به بیمارستان صحرایی منتقل شدیم، گفتند برای ترکشی که در سرت قرار دارد نمی شود کاری کرد و نمی توانیم آن را خارج کنیم، برای ترکش دستم فقط باندپیچی کردند

و جلوی خون ریزی را گرفتند چون امکانات بیمارستان صحرایی کم بود امکان جراحی وجود نداشت و مجروحان با حال وخیم در اولویت بودند و کمبود دارو هم داشتیم، برای همین فقط چند روزی بستری شدم و بعد از یک هفته به منطقه اعزامی برگشتم و پس از آن هم دیگر اتفاقی جدی برایم پیش نیامد. در کل دو سال در جبهه خدمت کردم و بعد از آن به خانه برگشتم. بعد از جنگ هم اقدامی برای خارج کردن ترکش ها از بدنم صورت نگرفت و پزشکان معتقد بودند ترکشی که به سرم اصابت کرده را نمی توان خارج کرد و بهتر است به آن دست نزنند، ترکش دستم هم در بدنم مانده و سال هاست با آنها زندگی می کنم. اکنون ۵۷ سال دارم و ۲۰ درصد جانبازی برای من لحاظ کرده اند اما حقوق دریافت نمی کنم و واقعا دنبال آن نرفتم. مشغول کار آزاد و خدمات فنی ساختمانی هستم و چند سالی به بازنشستگی ام مانده است.

نمی خواستم کارت جانبازی بگیرم، اما گرفتم. هیچ وقت دنبال فعال سازی حقوق آن نبودم فقط چندباری برای تشکیل و تکمیل پرونده ایثارگری به منطقه غرب رفتم که درصد جانبازی معین شود، چون آن زمان در بیمارستان صحرایی درمان شدم، پرونده ای تشکیل نشده و سابقه ای وجود نداشت و تکمیل پروسه آن زمان برد. دوستانی دارم که در جنگ مجروح و شیمیایی شدند و بعد از ۱۰ سال دوندگی توانستند کارت جانبازی بگیرند چون هیچ سابقه ای در بیمارستان صحرایی ثبت نمی شد. در حال حاضر دارویی مصرف نمی کنم اما در فصل تابستان که هوا گرم می شود، نمی توانم بیرون از خانه بمانم و سردردهای شدید می گیرم و اگر گرمای شوم کارم به بیمارستان می کشد چون ترکش ها در این هوا بیشتر اذیت می کند و من خانه نشین و بیکار می شوم.

زندگی این روزها سخت شده اما ما بچه های جنگیم و یاد گرفتیم از پس مشکلات بایسیم. اگر ترکش ها در بدنم وجود نداشت قطعا راحت تر می توانستم روزگارم را سپری کنم و شغل پردرآمدتری داشتم اما به وضعیت موجود راضی هستم و سعی می کنم از خانواده ام که همیشه حامی من بودند، حمایت کنم. بیشتر از همه، در طول این سال ها، همسرم از من حمایت کرده و زحمات زیادی برایم کشیده که همیشه قدردان او هستم. گله و شکایتی ندارم چون به خواست خودم به جبهه رفتم و حاضرم بارها این کار را تکرار کنم. هر چند بار سنگینی بر دوش خانواده ام می گذارد، اما همسرم در این مسیر همواره حامی من بوده و از آنجا که برادرش در ۱۸ سالگی و اوایل اعزام به جبهه شهید شده، بیشتر به این موضوع اهمیت می دهد و هیچ گاه مانعی برای تصمیم گیری هایم در دفاع از وطن نبوده و نخواهد بود.

یک دختر و پسر دارم که می دانند ترکش هایی در بدنم دارم و مراعات حال مرا می کنند اما حقیقتش هیچ کدام به اندازه همسرم برای من زحمت نکشیده اند و درک نکرده اند، وقتی در فصل تابستان حال بدی

دارم با تمام وجود از من مراقبت می کند. البته دختر و پسرهای این دوره زمانه حق دارند که تصویری از جنگ نداشته باشند چون آن زمان مثل ما نبودند که ببینند جنگ چه بلایی سر خاک و خانواده های مان آورد. حتی گاهی که دور هم جمع می شویم از دوران جنگ برای فرزندانم می گویم تا تصور ذهنی از آن داشته باشند اما واقعا متوجه عمق ماجرا نمی شوند و بعضی وقت ها باور نمی کنند جنگ می تواند آن قدر آسیب زننده باشد. با قاطعیت می گویم که اگر خدای ناکرده دوباره چنین اتفاقی در کشورم ایران بیفتد و جنگی رخ دهد، باز هم به جبهه های جنگی می روم و از وطنم و خاک آن دفاع می کنم چون این خاک مقدس و عزیز است و دفاع از آن را وظیفه خود می دانم. درست است که این روزها فشارهای اقتصادی افزایش یافته و بار سنگینی بر دوش آنان قرار گرفته است، اما هنگامی که دشمن کوچک ترین حمله ای به این سرزمین کند، شک نکنید که مردم بار دیگر همانند دهه ۶۰ از آن دفاع کرده و در جبهه ها حاضر خواهند شد».

وقتی از او درباره خواسته اش از مسئولان و دولت برای حمایت از ایثارگران و جانبازان پرسیدیم، گفت: «به عنوان یک ایرانی، وظیفه ما بوده از خاک سرزمین مان دفاع کنیم و بدون منت این کار را انجام داده ایم. همان زمان، خانواده هایی وجود داشتند که فرزندان خود را به خاطر سربازی نرفتن، حفظ جان، تأمین امنیت و آینده و... به کشورهای دیگر فرستادند اما ما رزمندگان، ماندیم و طاقت آوردیم و از این سرزمین دفاع کردیم، بنابراین حق داریم که درخواست حمایت و توجه داشته باشیم و امیدواریم زمینه ای فراهم شود تا حمایت ها از این قشر افزایش پیدا کند و به جانبازان و ایثارگرانی که اکنون به دلیل وضعیت اقتصادی کشور در شرایط سختی قرار دارند، بیشتر توجه شود».



عکس نگاره ای از جانباز علی نظری

